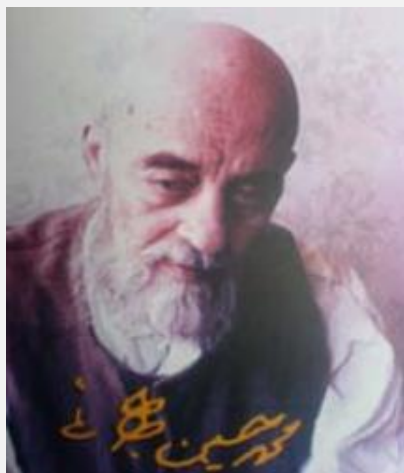


علامه طباطبایی برای رفع شبهات عصر به محکمت قرآن ارجاع می‌داد



علامه طباطبایی فیلسوف و احیاگر فلسفه صدرایی در قرن اخیر، آگاه به زبان قرآن، مطلع از زمان خود و چیره‌دست در ارجاع شبهات عصر به محکمت قرآن بود. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، 27 سال پیش در 24 آبان‌ماه 1360، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، مفسر و فیلسوف برجسته جهان اسلام دار فانی را وداع گفت. هنوز بعد از 27 سال غم رحلت این عالم برجسته برای شاگردان و شیفتگانش و حتی امثالی چون من که وی را ندیده‌ام تازگی دارد. گویا برای هیچ فلسفه‌دوستی این غم کهنه نمی‌شود. به یاد دارم در همایش یادبود علامه که سال گذشته در دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار شد و از شاگردان وی هم‌چون دینانی و احمدی دعوت به عمل آمد. در زمان پخش کلیپی از علامه، اشک در چشمان دینانی جمع و حال وی منقلب شد و برای من که دینانی را فردی دارای مزاج فلسفی خشک می‌پنداشتم، این علاقه وافر بعد از قریب به 30 سال، تعجب‌برانگیز بود. از خود سؤال کردم که علامه با این شاگردانش چه کرد و چه گفت که بعد از قریب به 30 سال هنوز غم اندوه از دست دادن استاد، برای شاگردان تازگی دارد.

دریفا و دردا که استاد رفت / گل یاس گلزار رفت

کنون به مرگ توبنشسته‌ایم درحسرت / کنون زدوری تو اوفتاده در حرمان

نه من زهجر تو اندر خروش و افغانم / که در خروش و فغان است خطه ایران

قیامتی شده برپا به قم که وا همه گفت / مگر زلزلت الارض را رسیده زمان

مگر یونسی اندر دهان ماهی شد / مگر که نوح به کشتی نشست در طوفان

آری چنین شخصیتی که به تعبیر شهید مطهری باید 100 سال دیگر تازه بیایند و بنشینند و افکار او را تجزیه و تحلیل کنند تا به ارزش او پی ببرند (حق و باطل/89)

تا حشر اگر که فلسفه نالد زغم روا ست / کاین نازدانه پدر غمگسار رفت

اوخ! که رفت از دست آن در یگانه / هرگز نزیاید همچو وی مام زمانه

وی علاقه وافر به ائمه طاهریین(ع) داشت، به نحوی که در حقیقت ولای اهل بیت(ع) برای ایشان به منزله يك شمع شب‌افروز شبستان بود و نیز روح وی چنان با قرآن پیوند داشت که حیات او به معنای واقعی، حیات قرآنی بود، با قرآن زندگی می‌کرد و براساس قرآن رفتار می‌کرد و سخن می‌گفت این شایستگی را از ناحیه الله دریافت کرده بود.

سیدمحمدحسین طباطبایی دارای زهد و عرفان منحصر به فرد بود، به نحوی که به گفته شاگردانش در طول تلمذ در پیشگاه وی هیچ‌گاه لفظ «من» را از ایشان نشنیدند.

علامه بود اما «نمی‌دانم» شعارش / هرگز نگریدید آن همه دانش حصارش

علامه با تدریس فلسفه در حوزه علمیه قم طلاب را برای مواجهه فکری با فلسفه‌های مادی رایج در آن زمان آماده کرد که تألیف «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نمونه اولین برخورد فلسفه اسلامی با فلسفه‌های مادی و به ویژه با مارکسیسم بود که بعد از 30 سال از تألیف این کتاب هنوز به عنوان بهترین کتاب در رد شبهات مادیون است و البته می‌توان گفت که این کتاب، اولین اثر در حوزه

معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی نیز است

وارستگی و زهد و تقوای درونی علامه و نیز نبوغ سرشارش که در ابتکارش در تفسیر و فلسفه مشهود است، بنا به نظر شاگردانش برخاسته از وابستگی شدید ایشان به وحی الهی بود و به حق این شخصیت بزرگ از کسانی بود که تنها مکتب جامعی چون اسلام می‌تواند امثال او را در دامن پربرکت خویش پرورش دهد.

در زمانی که در حوزه‌های علمیه به تفسیر چندان اهمیت قابل توجهی داده نمی‌شد و بیشترین وقت و همت صرف فقه و اصول می‌شد، ولی با درک صحیح از روزگار خویش و آینده‌نگری تیزبینانه به تدریس فلسفه و تفسیر پرداخت که بنا به نظر یکی از شاگردانش تدریس فلسفه در آن زمان انتحار بود، چرا که باعث موضع‌گیری‌های متفاوت و حتی قطع شهریه طلبگی و انزوا می‌شد.

جریان تعطیلی دروس اسفار در زمان زعامت و مرجعیت آیت‌الله بروجردی از این قبیل سختی‌هاست که به واسطه برخی نامی‌گری‌ها رخ داد و البته آیت‌الله‌العظمی بروجردی خود نزد حکیم

جهان‌گیرخان قشقای در اصفهان فلسفه خوانده بود، ولی نقد وی بر نحوه اجرای تدریس علامه بود که معتقد بود نباید کلاس‌های فلسفه عمومی باشد، بلکه باید کسانی که قدرت تحلیل و مبارزه با شبهات را دارند در کلاس‌ها حضور یابند و لذا به نظر آیت‌الله بروجردی کلاس عمومی فلسفه بدون هیچ‌گونه محدودیت برای حاضران شاید مفسده‌ای را به دنبال داشته باشد.

البته بعد از نامه علامه طباطبایی به آیت‌الله بروجردی و بیان شرایط و جو فکری زمان و لزوم تدریس فلسفه برای جلوگیری از رشد الحاد و مادی‌گرایی و بالاتر بودن مفسده ترک تدریس فلسفه یا خصوصی کردن تدریس به خاطر رشد فزاینده فلسفه الحادی و مبارزه با ماتریالیسم دیالکتیک، آیت‌الله بروجردی در پاسخ نامه، تشخیص تدریس یا عدم تدریس را به خود علامه واگذار کرد که بنا به نظر برخی از شاگردان، تعطیلی کلاس‌ها به علت احترامی بود که علامه به شخصیت آیت‌الله بروجردی داشتند، چرا که به هر حال آیت‌الله بروجردی زعیم تشیع در آن زمان بود و خلاف نظر ایشان عمل کردن مفسده‌ای بالاتر را خواهد داشت که البته امام خمینی(ره) که در آن زمان از علمای شهیر بود نیز تعطیلی موقت کلاس‌ها را پیشنهاد کرده بود.

به هر حال علامه با تدریس فلسفه در حوزه علمیه قم طلاب را برای مواجهه فکری با فلسفه‌های مادی رایج در آن زمان آماده کرد که تألیف «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نمونه اولین برخورد فلسفه اسلامی با فلسفه‌های مادی و به ویژه با مارکسیسم بود که بعد از 30 سال از تألیف این کتاب هنوز به عنوان بهترین کتاب در رد شبهات مادیون است و البته می‌توان گفت که این کتاب، اولین اثر در حوزه معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی نیز است.

علامه در کتاب اصول فلسفه، مباحث جدیدی را به فلسفه اسلامی افزودند و البته با اصولی که در فلسفه سنتی موجود بود که نشان از این دارد که وی تنها بازگو کننده فلسفه صدرایی نبود، بلکه به نظر برخی، علامه هیچ‌گاه يك مقلد و ناقل فلسفی نبود و دارای ابتکارات خاصی بود.

از وی «اصول فلسفه سامان و نظم یافت /کرد از نظر به «علم نظر» سازمان پدید

علامه با شروع درس تفسیرش در حوزه علمیه قم تفسیر قرآن را احیا کرد و موج نویی را در قرآن پژوهی حوزه ایجاد کرد. وی با بهره‌مندی از کوثر وحی و در کنار آن، معرفت اهل بیت(ع) توانست زمینه احیای علوم اسلامی، به ویژه مکتب تشیع را در سطح کشور و گاه در خارج از آن فراهم کند

سیدمحمدحسین به قدری کوشش فراوان و روحیه جست‌وجوگری و درک مسائل جدید را داشت که هیچ‌گونه خستگی را در طی این راه به تن راه نمی‌داد لذا برای فهم مسائل جدید سلسله جلساتی را با هانری کربن داشت که هماهنگی این جلسات به عهده دکتر سیدحسین نصر بود و در این جلسات که هانری کربن در ماه‌های سپتامبر به ایران می‌آمد، داغ‌ترین مباحث فلسفی و کلامی آن زمان فرانسه را مطرح می‌کرد که به گفته نصر این جلسات از زمان قرون وسطی تحقق نیافته بود.

به هر حال می‌توان گفت که علامه طباطبایی فیلسوف صدرایی و احیاگر فلسفه صدرایی در قرن اخیر بود، چرا که وی با تدریس فلسفه و تألیف کتاب‌های بدایة‌الحکمة و نهاية‌الحکمة و اصول فلسفه و روش رئالیسم و تعلیقه بر اسفار موج نویی از فلسفه‌ورزی را به جامعه حوزوی و دانشگاهی بازگرداند، به نحوی که اکثر متفکرین فلسفی امروز شاگرد این بزرگوار بوده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان آیت‌الله حسن زاده، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله جعفر سبحانی، دکتر دینانی، حجت‌الاسلام دکتر احمدی و ... را نام برد.

روئیده صدها گل ز بذر دامان او /طلاب حوزه علمیه خوشه چین خرمن او

بسیاری از گل‌های زیبای معارف/محصول باغ سبز آن استاد عارف

صد آسمان ستاره و صد کاروان گهر /صد بوستان گل آمد از او در جهان پدید

گل‌بوته‌های معرفت و چشمه‌های نور / از کوشش وی آمده در هر مکان پدید

علامه با شروع درس تفسیرش در حوزه علمیه قم تفسیر قرآن را احیا کرد و موج نویی را در قرآن پژوهی حوزه ایجاد کرد. وی با بهره‌مندی از کوثر وحی و در کنار آن، معرفت اهل بیت(ع) توانست زمینه احیای علوم اسلامی، به ویژه مکتب تشیع را در سطح کشور و گاه در خارج از آن فراهم کند و نیز باعث شد تشنگان هدایت الهی بتوانند از چشمه گوارای معارف قرآن بهره‌برند و حتی خود نیز سیراب‌کننده عطش دیگران باشند.

انسان جامعی هم‌چون علامه طباطبایی را که هم به زبان قرآن آگاه بود و از آن متضلعانه خبر می‌داد و هم به زبان خود مطلع بود و از آن خبیرانه گزارش می‌داد و هم از کیفیت ارجاع شبهات عصر به محکمت قرآنی با خبر بود و هم از نحوه پاسخ دادن قرآن به شبهات معروض بر آن مطلع بود و هم طهارت ضمیرش مصاحب همه این عناصر محوری قرآن پژوهی بود، می‌توان در زمین همانند شهاب رصد دانست که مانع نفوذ بیگانه می‌شود.*

*منابع: شمس‌الوحي تبریزی، نوشته آیت‌الله جوادی آملی؛ مرزبان وحی و خرد؛ رسائل توحیدی، نوشته علامه طباطبایی، ترجمه علی شیروانی؛ زندگانی خودنوشت؛ در جست‌وجوی امر قدسی، سیدحسین نصر؛ نهاية‌الحکمة، علامه طباطبایی.

علامه طباطبایی با بیشتر مباحث جدید فکری مطرح در جوامع اسلامی درگیر بود

گروه اندیشه: علامه طباطبایی از متفکران و محققان برجسته و عالی‌قدر دوره معاصر است که وی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ تفکر ایران قلمداد کرد. تفسیر المیزان او به حق بر تارک تفاسیر شیعه می‌رخشد و به جرأت می‌توان ادعا کرد که علامه طباطبایی در این تفسیر با بیشتر مباحث جدید فکری مطرح در جوامع اسلامی درگیر شده و کمتر مسأله‌ای را می‌توان یافت که از چشمان تیزبین این مرد وارسته و توانا پنهان مانده باشد.